

یادداشت

توقیف‌رسانه؛ راه‌حل استثنائی یارویه‌ای پرهزینه؟

اشاره به «تخلّفات متعدد» بدون تفکیک دقیق میان خطای حرفه‌ای، اختلاف تفسیری، محتوای قابل نقد و تهدید واقعی علیه نظم عمومی، تصمیم را در سطح کلی‌گویی نگه می‌دارد. در منطق حقوق عمومی، سابقه تذکر و گفت‌وگو فقط زمانی می‌تواند مبنای تشدید واکنش قرار گیرد که نشان دهد خطر مشخص، جدی و فوری متوجه یک مصلحت بنیادین عمومی است و ابزارهای اصلاحی خفیف‌تر به‌طور مستند ناکارآمد بوده‌اند. به بیان دیگر، از منظر تحلیلی، بیانیه دبیرخانه بیشتر روایت یک مسیر اداری است تا استدلالی حقوقی برای اعمال شدیدترین محدودیت ممکن. فقدان توضیح روشن درباره اینکه دقیقاً کدام محتوا، با چه وصف حقوقی و با چه درجه‌ای از تهدید، شرایط «ضرورت» را محقق کرده، اصل استدلال‌پذیری را مخدوش می‌کند. تصمیمی به این سطح از تأثیر اجتماعی، باید بتواند افکار عمومی و جامعه حقوقی را قانع کند که چرا از میان طیف ابزارهای قانونی، دقیقاً توقیف به عنوان آخرین گزینه انتخاب شده است. محدودسازی حقوق اساسی، به‌ویژه آزادی بیان، فقط زمانی مشروع است که سه شرط هم‌زمان رعایت شود: ضرورت، تناسب و استدلال‌پذیری. ضرورت یعنی محدودیت فقط زمانی اعمال شود که هدفی حیاتی مانند حفظ امنیت عمومی - در خطر باشد و ابزارهای خفیف‌تر پاسخ‌گو نباشند. تناسب یعنی شدت واکنش یا شدت خطر ممنوعان باشد و از حد لازم فراتر نرود. استدلال‌پذیری یعنی تصمیم باید شفاف، مستدل و قابل ارزیابی حقوقی باشد. فقدان هریک از این عناصر، مشروعیت تصمیم را مخدوش می‌کند و نتیجه آن، گسترش خودسانسوری و تضعیف نقش نظارتی رسانه است.

در این چارچوب، پرسشی حقوقی و اساسی مطرح می‌شود: آیا انتشار چند یادداشت محدود - حتی اگر محل ایراد، خلاف واقع یا قابل نقد باشند- در چارچوب یک رسانه حرفه‌ای مانند هم‌مپی، به‌تنهایی می‌تواند شرایط ضرورت و تناسب برای توقیف کامل یک رسانه را فراهم کند؟ طرح این پرسش، نه از موضع دفاع رسانه‌ای، بلکه از منظر سنجش عدالت تصمیم و سلامت فرایند حقوقی، اجتناب‌ناپذیر است. فارغ از این پرسش، توقیف رسانه، مصداق روشن مجازات جمعی است. تعطیلی یک رسانه به معنای مجازات هم‌زمان ده‌ها روزنامه‌نگار، دبیر، نیروهای فنی و کارکنان اداری است که نقشی در تولید محتوای مورد ایراد نداشته‌اند. چنین تصمیمی، به‌ویژه در شرایط دشوار اقتصادی، آثار انسانی و اجتماعی سنگینی دارد و با منطق عدالت و شخصی‌بودن مسئولیت سازگار نیست. نکته مهم آن است که حقوق رسانه، ابزارهای متنوع‌تری جز توقیف در اختیار دارد. الزام به پاسخ با اصلاح، مسئولیت شخصی نویسنده یا مدیرمسئول، تعلیق یا قطع بارنامه‌های مطبوعاتی، محدودیت در بهره‌مندی از آگهی‌های دولتی یا سایر حمایت‌های عمومی، همگی ابزارهایی هستند که امکان اصلاح رفتار رسانه را فراهم می‌کنند. بی‌آنکه اصل جریان اطلاع‌رسانی و حق جامعه برای دانستن را قربانی کنند. در این میان، فراخوان اصلاح قانون مطبوعات که چندی پیش از سوی رئیس قوه قضائیه مطرح شد، نشانه‌ای از درک نهادی نسبت به ناکارآمدی قانون موجود است. این فراخوان را باید فرصتی دانست برای بازتعریف جایگاه توقیف به عنوان آخرین ابزار؛ ابزاری که فقط در شرایطی کاملاً استثنایی و سخت‌امینتی -مانند دعوت صریح و سازمان‌یافته به اغتشاش، ترغیب به برهم‌زن نظم و امنیت عمومی یا تهدید جدی اساس جامعه- قابل توجیه است، نه در واکنش به چند یادداشت منتشرشده، حتی اگر محل ایراد یا خلاف واقع باشند. تعلیق طولانی‌مدت لایحه جامع رسانه‌ای، نشان می‌دهد چالش اصلی نه فقدان شناخت از مشکل، بلکه تعویق اراده برای اصلاح ساختاری است. نتیجه این تعویق، استمرار اتکای نظام حقوقی به ابزاری پرهزینه و ناکارآمد به نام توقیف است. در نهایت، واقعیت روشن است: توقیف رسانه نه راه‌حل است و نه ابزار تنظیم‌گری کارآمد، بلکه بازمانده‌ای از منطق‌های کهنه است. رسانه آزاد تهدید نیست؛ سوپاپ اطمینان جامعه است. جایی که خطا پیش از بحران دیده می‌شود، نقد پیش از انباشت شکل می‌گیرد و حقیقت پیش از آنکه به شایعه بدل شود، شنیده می‌شود. مسئله این نیست که رسانه خطا می‌کند یا نه؛ مسئله این است که پاسخ به خطا، آیا اصلاح‌گر است یا خاموش‌کننده. جامعه‌ای که حق دانستن دارد، حق اصلاح هم دارد و این حق، با توقیف‌های شتاب‌زده و نامتناسب، بیش از هر چیز آسیب می‌بیند.

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان به توقف زیست مجازی، افزایش نارضایتی و ناکارآمدی فیلترینگ پرداخت

در انتظار «اتصال»

زهرا جعفرزاده

دایره آبی‌رنگ بالای تلگرام می‌چرخد؛ بیش از ۱۴ روز است که از این وضعیت می‌گذرد. تلگرام، اینستاگرام، واتساپ، بسیاری از سایت‌های خارجی و تا همین چند وقت پیش، موتورهای جست‌وجوگر خارجی همین شرایط را دارند؛ اتصال برقرار نیست. آخرین پیام‌ها مربوط به ۱۴ روز پیش است؛ قبل از ساعت هفت غروب پنجشنبه هجدهم دی‌ماه. از آن روز، ارتباطات مجازی قطع شد. خانواده‌ها نتوانستند با فرزندان‌شان از این راه ارتباط بگیرند، کسب‌وکارهایی که تنها راه فعالیت‌شان از طریق صفحات اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی بود زمین‌گیر شده‌اند، پژوهش‌هایی که به مقاله‌های جهانی وابسته بود در توقف کامل به سر می‌برد، ردوبدل‌کردن فایل‌های صوتی، تصویری و متنی کند شده و در نهایت می‌توان گفت زیست دیجیتال از کار افتاده است. این چندمین بار است که از سال ۹۸ تاکنون، حق شهروندی نقض و قانون دسترسی آزاد به اطلاعات زیر پا گذاشته می‌شود؛ آن‌هم درست در زمانی که دنیا به آخرین امکانات دیجیتال



فیلترینگ می‌توانست سیاست محدودکننده مقطعی باشد که برای شرایط خاص به کار گرفته می‌شود، یعنی حساس مورد استفاده قرار گیرد و در شرایط عادی آزاد باشد؛ اما وقتی شما به‌صورت مکرر از فیلترینگ استفاده می‌کنید، شهروندان هم به‌طور مداوم از فیلترشکن استفاده می‌کنند تا این محدودیت را بردارند، عملاً کارکردش را از دست می‌دهد. به همین دلیل است که نباید از سیاست‌های محدودکننده به میزان زیاد و گسترده استفاده کرد. تجربه یک دهه گذشته هم این موضوع نشان داده است

دایره آبی‌رنگ بالای تلگرام می‌چرخد؛ بیش از ۱۴ روز است که از این وضعیت می‌گذرد. تلگرام، اینستاگرام، واتساپ، بسیاری از سایت‌های خارجی و تا همین چند وقت پیش، موتورهای جست‌وجوگر خارجی همین شرایط را دارند؛ اتصال برقرار نیست. آخرین پیام‌ها مربوط به ۱۴ روز پیش است؛ قبل از ساعت هفت غروب پنجشنبه هجدهم دی‌ماه. از آن روز، ارتباطات مجازی قطع شد. خانواده‌ها نتوانستند با فرزندان‌شان از این راه ارتباط بگیرند، کسب‌وکارهایی که تنها راه فعالیت‌شان از طریق صفحات اینستاگرام و کانال‌های تلگرامی بود زمین‌گیر شده‌اند، پژوهش‌هایی که به مقاله‌های جهانی وابسته بود در توقف کامل به سر می‌برد، ردوبدل‌کردن فایل‌های صوتی، تصویری و متنی کند شده و در نهایت می‌توان گفت زیست دیجیتال از کار افتاده است. این چندمین بار است که از سال ۹۸ تاکنون، حق شهروندی نقض و قانون دسترسی آزاد به اطلاعات زیر پا گذاشته می‌شود؛ آن‌هم درست در زمانی که دنیا به آخرین امکانات دیجیتال دست‌رسی دارد و جهان هر روز به سمت مسیرهای پیشرفته‌ای برای استفاده از این فضا حرکت می‌کند. در این وضعیت، ایرانیان برای بیش از دو هفته است از این فضا محروم شده‌اند و از طریق برخی فیلترشکن‌ها به‌صورت قطره‌چکانی، اتصال‌های کوچکی برقرار می‌کنند؛ کوچک، محدود و کوتاه‌مدت. خروج از خاموشی کامل ارتباطات به‌تدریج اتفاق افتاد. ابتدا تماس‌های تلفنی در مکان‌هایی که قطع شده بود میسر شد، سپس پیامک‌های اضطراری دولت از سر گرفته شد، پس از آن تماس تلفنی با خارج از کشور آزاد شد، بعد هم پیامک‌های گروهی و بعدتر پیامک‌های شخصی هم ممکن شد. اما اینترنت همچنان به روی شهروندان ایرانی بسته است. از پنجشنبه دوم بهمن اما برخی از شهروندان خبر از برقراری ارتباطات محدودی می‌دهند؛ همان‌گونه که قطع ارتباط ایرانیان با یکدیگر و جهان بدون اطلاع‌رسانی انجام شد، اتصال آن نیز بدون اطلاع‌رسانی

دقیقی در حال انجام است. از شامگاه پنجشنبه به‌تدریج در برخی از اپراتورهای همراه، اینترنت بین‌المللی کمابیش متصل شده و برخی از وب‌سایت‌های خارج از ایران قابل دسترس شده‌اند. در این میان، وب‌سایت‌های داخل ایران نیز از خارج از کشور قابل مشاهده‌اند؛ هرچند بسیاری از سروس‌ها که در گذشته امکان دسترسی به آن وجود داشت، قابل دسترسی نیستند و اتصال به اینترنت هنوز به اپراتورها ثابت راه پیدا نکرده است. برنامه زمانی مشخصی برای بازگشت اینترنت به شرایط عادی اعلام نشده است و معلوم نیست وضعیت فعلی تا چه زمان ادامه پیدا خواهد کرد.

از بین رفتن کارکرد ابزارهای محدودکننده

محمد رهبری، جامعه‌شناس و پژوهشگر است و مهم‌ترین نکته در صحبت‌هایش با «شرق» این است که وقتی ابزاری محدودیت‌کننده به تکرار و گسترده استفاده شود، کارکردش را از دست می‌دهد. او به این نکته اشاره می‌کند که اینترنت برخلاف گذشته، تبدیل به یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر زندگی شهروندان شده است. همان‌طور که حق مسکن، برق، گاز، آب و... وجود دارد، حق اینترنت هم به همان میزان اهمیت پیدا کرده است: «همان‌طور که وقتی فردی مسکن نداشته باشد، زندگی‌اش مختل می‌شود، کسی هم که دسترسی به اینترنت ندارد همین وضعیت را پیدا می‌کند. البته با شدت کمتری، به گفته این پژوهشگر، از حوزه اقتصاد دیجیتال گرفته تا کسب‌وکارهایی که ارتباط مستقیمی با اینترنت و اقتصاد دیجیتال ندارند، همه از اینترنت اثر می‌پذیرند. در حوزه پژوهش هم همین وضعیت حاکم است؛ زمانی که شما نتوانید یک جست‌وجوی ساده انجام دهید یا در سایت‌های خارجی نتوانید محتوای مدنظرتان را به دست آورید، عملاً کار پژوهشی پیش نمی‌رود. حتی برای پژوهش‌های مربوط به سیاست‌گذاری هم همین وضعیت وجود دارد و عملاً روند را مختل و حتی تعطیل می‌کنند. او در ادامه به موضوع ارتباطات اینترنتی اشاره می‌کند: «اینترنت بستر ارتباطی بسیاری از مردم است. منظور از مردم هم حدود ۹۰ درصد جامعه است. شاید ۱۰ سال پیش، وضعیت این‌طور نبود، اما اکنون این گروه بخش بزرگی از ارتباط‌شان روی بستر اینترنت است. این وضعیت بعد از کرونا تشدید شد. ما دیگر نمی‌توانیم با ذهنیتی که قبل از شیوع کرونا در ارتباط با اینترنت وجود داشت، پیش برویم. بعد از کرونا، استفاده از اینترنت فرایر و گسترده شده و پیوند عمیقی با زندگی شهروندان پیدا کرده است؛ در جنبه‌های فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و... اینترنت برای افراد مانند آب، برق و گاز عمل می‌کند و بخش جدایی‌ناپذیر زندگی آنها شده است». با همه اینها، محمد رهبری معتقد است گاهی در شرایط خاص، تصمیماتی درباره اینترنت گرفته می‌شود که فقط محدود به ایران نیست، بلکه در کشورهای دیگر هم دیده می‌شود؛ البته فرایگر نیست و به‌صورت مقطعی و کوتاه‌مدت است، «در دوره جنگ ۱۲ روزه، مردم با قطعی اینترنت کنار آمدند، قطعی اینترنت هم کوتاه‌مدت بود. اما حالا با اینکه شرایط عادی



شده همچنان محدودیت‌ها اعمال می‌شود؛ اتفاقی که منجر به نارضایتی می‌شود». براساس اعلام این جامعه‌شناس، نبود اینترنت، تعاملات اجتماعی را مختل می‌کند و علاوه بر این، اعمال این محدودیت‌ها، کارکردش را از بین می‌برد؛ «وقتی شما از ابزاری به میزان زیاد استفاده می‌کنید، کندش کرده‌اید. فیلترینگ می‌توانست سیاست محدودکننده مقطعی باشد که برای شرایط خاص به کار گرفته می‌شود؛ یعنی در وضعیت بحرانی و حساس مورد استفاده قرار گیرد و در شرایط عادی آزاد باشد؛ اما وقتی شما به‌صورت مکرر از فیلترینگ استفاده می‌کنید، شهروندان هم به‌طور مداوم از فیلترشکن استفاده می‌کنند تا این محدودیت را بردارند، بنابراین عملاً کارکردش را از دست می‌دهد. به همین دلیل است که نباید از سیاست‌های محدودکننده به میزان زیاد و گسترده استفاده کرد. تجربه یک دهه گذشته نیز این موضوع را نشان داده است».

افزایش نارضایتی

به اعتقاد او، این شرایط منجر به افزایش نارضایتی و کاهش حس اعتماد عمومی می‌شود؛ «طرح نظام تنظیم مقررات خدمات فضای مجازی یا همان صیانت از فضای مجازی که مطرح شد، ضربهای به موضوع سرمایه اجتماعی و انسانی وارد کرد. این موضوع حتی انگیزه مهاجرت را در گروهی بالا برد. سرمایه اجتماعی، اعتماد عمومی و... مؤلفه‌های به‌هم‌پیوسته‌ای هستند که نمی‌توان به‌راحتی آنها را دستکاری کرد. هر نوع دستکاری این مؤلفه‌ها می‌تواند روی جامعه اثر بگذارد و آنها را تقویت یا تضعیف کند. بنابراین درست است که در هر تصمیم‌گیری ممکن است جنبه‌هایی از جنس امنیت لحاظ شود، ولی باید بدانیم امنیت مفهومی جامع است، اگر به سرمایه اجتماعی و انسانی و اعتماد عمومی آسیب زده شود، در نهایت امنیت نیز آسیب می‌بیند. همه این موضوعات باید در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود».

هراس از اینترنت

ایجاد نارضایتی در میان جامعه به بهانه کنترل شرایط و اعتراضات، موضوعی است که از سوی حامد بیدی، بنیان‌گذار پلتفرم کارزار و کنشگر حق اینترنت هم مطرح می‌شود. او به «شرق» می‌گوید مسئله اصلی این است که سیستم با اینترنت به‌مثابه رسانه نامتمرکز کاربمچور یا شهروندمحور مشکل دارد. از نظر او این وضعیت هم طبیعی است؛ چراکه «در ساختاری که مبتنی بر نظارت‌ها و انبوه مجوزهاست، هیچ رسانه‌ای بدون نظارت سخت‌گیرانه نمی‌تواند فعالیت داشته باشد و انبوهی از سانسورها و توییح‌ها حتی برای اظهارنظرهای شخصی وجود دارد، طبیعی است که وجود اینترنت مشکل‌دار می‌شود. بنابراین آنچه را اکنون اتفاق افتاده است، نباید به دسترسی‌داشتن به پلتفرم‌های خارجی تقلیل داد». به گفته او، مسئله جایی پیچیده می‌شود که در رسانه‌های رسمی به سلايق عموم جوعه توجهی نمی‌شود و حتی در سیاست‌های کلی هم نظر مردم جایگاهی ندارد. به همین

دلیل است که با وجود صرف میلیاردها تومان برای پیام‌رسان‌های داخلی و شبکه ملی، اطلاعات هم قطع می‌شود. بیدی معتقد است اینترنت همواره به عنوان یک تهدید تلقی می‌شود؛ «مسئله، هم‌افزایی جامعه است و همین مسئله تهدید به شمار می‌رود. حتی شاهدیم پلتفرمی مانند کارزار به عنوان یک پلتفرم داخلی که باید میزان قانونی اعتراضات مردمی باشد، در سال‌های گذشته با انبوهی از محدودیت‌ها و سانسورها مواجه شده و برای برخی از نویسندگان کارزارها پرونده تشکیل شده است. بنابراین تمام ادعاهایی که درباره اینترنت و آزادی عمل شهروندان و آزادی حق اعتراض می‌شود، به این برمی‌گردد که اینترنت به‌مثابه رسانه نامتمرکز منجر به قدرت‌گرفتن جامعه می‌شود و به هر حال از این مسئله هراس وجود دارد؛ چون سیاست‌های کلی سمت و سوی متفاوتی از آنچه مورد پسند مردم است، دارند».

فیلترینگ جواب‌نداد

در سال ۱۴۰۱ هم‌زمان با اعتراضات، اینترنت در ساعت‌های پایانی روز قطع می‌شود، با این حال ارسال پیامک‌ها فعال بود و دسترسی به پیام‌رسان‌های داخلی وجود داشت. حتی آن زمان دبستانسرها اینترنت داشتند و می‌شد از طریق فیلترشکن از این شبکه‌ها استفاده کرد. اما در اوایل قطعی اینترنت اخیر، حتی دبستانسرها هم اینترنت نداشتند. حالا بیم این می‌رود که در صورت وصل‌شدن اینترنت به صورت سراسری، محدودیت‌ها بیش از گذشته اعمال شود. بیدی در پاسخ به این موضوع معتقد است اینترنت به عنوان یک وسیله تهدید‌آمیز تلقی می‌شود و برخی از تصمیم‌گیرندگان برسر قطع آن و تقویت شبکه ملی اطلاعات اصرار دارند؛ چون فضا در این بخش کنترل‌پذیرتر است. اینها افرادی هستند که در مرکز ملی فضای مجازی، ساترا، صداوسیما، داستانی کل کشور... و کرسی دارند و در تصمیمات شرکت داده می‌شوند. براساس اعلام این فعال حوزه اینترنت، این ایده موافقان پروپاقرصی دارد که به بهانه برقراری امنیت، از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا ایده خود را به کرسی بنشانند؛ موضوعی که در سال ۱۴۰۱ هم رخ داد و حالا به شکل بی‌سابقه‌ای اتفاق افتاده است: «اینکه محدودیت‌های دسترسی به شبکه‌های اجتماعی افزایش یابد، بستگی به مسئولانی دارد که برای برقراری یا برداشتن محدودیت‌ها تلاش می‌کنند. به هر حال آنها متوجه شده‌اند که با سیاست فیلترینگ نمی‌توان کاری را پیش برد، چون اساساً از نظر فنی هم فیلترینگ آنها را به هدف‌شان نمی‌رساند؛ بنابراین به‌جای فیلترینگ، سیاست قطع اینترنت را دنبال می‌کنند و تلاش می‌کنند اینترنت در وضعیت فعلی باقی بماند. در نهایت هم ممکن است با سفیدکردن برخی از آدرس‌های اینترنتی ضروری مثل گوگل و راه‌اندازی اینترنت طبقاتی بتوانند نیازهای فوری را برطرف کنند، اما اینترنت برای عموم مردم قطع بماند».

نادیده‌گرفتن زیست مجازی

اما مسئله فقط به مشکلات فنی قطعی اینترنت و دسترسی‌نداشتن به اطلاعات جهانی محدود نمی‌شود. نکته درخ‌ر توجه این است که بخشی از زیست جامعه در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی شکل گرفته است. «فضای مجازی جدای از زندگی مردم نیست»؛ این موضوعی است که بنیان‌گذار کارزار هم به آن اشاره می‌کند: «امروز بخشی از زندگی واقعی مردم در فضای مجازی شکل می‌گیرد، کسب‌وکارها و ارتباطات آنها در این فضا ایجاد شده و برای برخی حتی از آب و برق هم مهم‌تر است، چون معیشت و ارتباط‌شان و در یک کلام، زیست‌شان در این فضا شکل گرفته است، بنابراین وقتی این فضا بسته می‌شود، نارضایتی اجتماعی هم بالا می‌رود».

آیه‌در صفحه ۶

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان دورود-سری (۴۸۲) جمعی

اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صفر قائدرحمت فرزند جعفر»
۵- تقاضای «صفر قائدرحمت» فرزند «جعفر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۶۰۳۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۰۶» فرعی از «۶۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»
۶- تقاضای «رسول پایزدان» فرزند «صفر علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۸۰۰،۱۶» و «۳۰۰،۴۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۴۰۱۸ و «۴۰۱۹» فرعی از «۹۲» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صفر علی پایزدان فرزند علی»
۷- تقاضای «علی کرمی کیا» فرزند «شامهدی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۷۸۴،۴۵» و «۳۶۰،۶۴ و «۵۶۹۳،۲۳» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۲۲» الی «۲۳۴» فرعی از «۶۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی نوروزی فرزند علی رحم»
۸- تقاضای «علی عباس پاپی» فرزند «شاه مدی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۴۷۱۴،۸۴ و «۳۵۳،۹۹ و «۵۷۴۱،۸۴» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳۱ و «۲۳۵ و «۲۳۰» فرعی از «۶۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی نوروزی فرزند علی رحم سند ۳۳۹۹»
۹- تقاضای «علی کرمی کیا و علی عباس پاپی» فرزند «شامهدی و شاه مدی» نسبت به «هرکدام سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۳۴۴۳،۹۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۲۲» فرعی از «۶۱» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «غلامعلی نوروزی فرزند علی رحم سند ۳۶۳۹۹ مورخ ۱۳۵۲،۲،۱ دفتر ۲ کرمانشاه»
۱۰- تقاضای «مجید رحمتی یکتا» فرزند «غلام» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی زار» بمساحت «۲۵۰۰۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۴۴» فرعی از «۹۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سند مشاعی پدر متقاضی بنام غلام آسترکی»
شناسه آگهی ۲۱۰۱۱۴۴

رضا افروز
کفیل اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود ۶۸۵۶

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان خرم آباد-سری (۱،۰۳۵) جمعی

مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۷۰» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نیا‌علی آرشیان»
۵- تقاضای «آقای امیر هومن میرزایی» فرزند «حشمت اله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۹۶۴۲،۰۵» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۹۱» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «وزیراله صادقی»
۶- تقاضای «آقای اکبر یعقوبی فر» فرزند «لفه» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۷۹۰۱۰،۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۰» فرعی از «۴۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «لفه سگوندد»
۷- تقاضای «خانم زیبا ابدالی محمدی» فرزند «محمد» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۱۶۴۸،۳۰» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۳» فرعی از «۱۸» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «رضا و محمد وهوشنگ زیودار»
۸- تقاضای «آقای منوچهر هاشمی» فرزند «صیدهادی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۵۴۶۷،۶۸» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۳۸۳» فرعی از «۷» اصلی واقع در بخش «۲» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صید جمعه صیدی چگنی»
۹- تقاضای «آقای میرعباس بیرانوند» فرزند «صیدعیسی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۰۵۶،۳۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۵» فرعی از «۱» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم بیرانوند»
۱۰- تقاضای «آقای میرعباس بیرانوند» فرزند «صیدعیسی» نسبت به «۲ دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» و «فاطمه بیرانوند» فرزند «صیدعیسی» نسبت به «۴ دانگ مشاع از شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۱۶۸،۸۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۲۱۶» فرعی از «۱» اصلی واقع در بخش «۱۰» خروجی از مالکیت مالک اولیه «ابراهیم بیرانوند»
۲۰۹۱۴۰ شناسه آگهی

فرشاد بازوندی نژاد
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک خرم آباد ۶۸۵۸

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی خرم آباد مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می تواند در تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد واملاک محل تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرا به مراجع محترم قضایی تقدیم وگواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست .تاریخ انتشار نوبت اول : (۱۴۰۴/۱۱/۱۹) نوبت دوم: (۱۴۰۴/۱۱/۱۹)

نام روزنامه

۱- تقاضای «آقای میرحسین قائد رحمتی» فرزند «مرید» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۳۵۹،۴۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۴۰۴» فرعی از «۴۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «مرید قائد رحمتی»
۲- تقاضای «آقای بهزاد همتی» فرزند «خیراله» نسبت به «شش‌دانگ یکباب ساختمان» بمساحت «۱۴۸،۶۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۹۸۴» فرعی از «۵» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «شیرمحمد محمدی»
۳- تقاضای «آقای مهردادعینی ازنا» فرزند «صراله» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۲۶۶۷،۷۶» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۸۱» فرعی از «۴۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه « خود متقاضی»
۴- تقاضای «خانم صغرا دلفانی» فرزند «سبزی‌علی» نسبت به «شش‌دانگ زمین مزروعی» بمساحت «۴۱۲۷،۳۰» مترمربع